



خانواده یزدانی، آخرین بازماندگان نسل نگین تراشان مشهد  
در تلاش برای احیای این هنر هستند

۵۴

# ناجیان یک میراث ملی چشم انتظار حمایت



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

روایتی از شب‌هایی که میدان امام حسین (ع) و مسجد  
۷۲ تن، به میعادگاه عزت و اقتدار مردم تبدیل شد

۸۰ شب حماسه  
زیر پرچم غیرت

۶



۲

اهالی شهید یوسف زاده ۶/۹ می‌گویند بوی فاضلاب  
و انباشت زباله، آرامش محله را گرفته است  
**نفس تنگ کوچه آزادی**

۷

دختران محله سیس‌آباد هر هفته  
در سالن شهید ناصری دور هم جمع  
می‌شوند تا ورزش و رفاقت را تجربه کنند  
**حال خوب پنجشنبه‌ها**



### ● بوی آزار دهنده فاضلاب خانگی

در حالی که طول کوچه را طی می‌کنیم، بتول قاسمی از گذشته این محدوده برایمان می‌گوید: از روزهایی که اینجا را همه با نام «شهرک آزادی» می‌شناختند. او می‌گوید: اسم کوچه‌ها و خیابان‌ها عوض شده است، اما هنوز هم بیشتر مردم، اینجا را همان شهرک آزادی صدامی می‌زنند. به گفته او، بخشی از خانه‌های این محدوده قدمتش به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی می‌رسد؛ خانه‌هایی که زمانی محل سکونت خانواده‌های نیروهای ارتش بوده است.

یک سوی کوچه، کانالی قدیمی جانمایی شده است؛ کانالی که روی بخش‌هایی از آن را با بلوکه‌های ناهمسان بتنی پوشانده‌اند و حالا مسیر عبور فاضلاب خانگی شده است. حدود یک ساعت از اذان ظهر گذشته است و گرمای هوا آرام آرام خود را نشان می‌دهد. داخل کانال می‌روم؛ عمق آن به حدود یک متر می‌رسد. صدای شرشر آب از خروجی بعضی خانه‌ها به گوش می‌رسد و میان فاضلاب، زباله‌هایی هم دیده می‌شود که بوی نامطبوع فضا را بیشتر کرده است.

قاسمی توضیحات تکمیلی را بیان می‌کند: اینجا هنوز به شبکه آگو متصل نشده است و خیلی از همسایه‌ها ناچارند فاضلاب خانگی را داخل همین کانال هدایت کنند. از طرفی حجم زیادی از آب هم از نقاط بالادست به اینجا می‌رسد و دردسرش برای اهالی این کوچه می‌ماند.

### ● موش‌هایی که تا طبقه ششم بالا می‌روند

افزایش تعداد موش‌ها، یکی دیگر از مشکلاتی است که این روزها آرامش برخی ساکنان کوچه را گرفته است. سپیده حسینی، یکی دیگر از اهالی این کوچه، می‌گوید و نظافت نامناسب کوچه و شرایط کانال آب باعث شده است تعداد موش‌ها در این محدوده بیشتر شود. به گفته او، بعضی از این موش‌ها از طریق لوله‌هایی که به کانال منتهی می‌شود، وارد خانه‌های مردم شده‌اند. او با اشاره به اتفاق اخیر این کوچه توضیح می‌دهد: چندی قبل در

اهالی شهید یوسف زاده ۶/۹ می‌گویند بوی فاضلاب و انباشت زباله، آرامش محله را گرفته است

## نفس تنگ کوچه آزادی

محمد رضا فیضی | کوچه شهید یوسف زاده ۶/۹ در نگاه اول، یکی از کوچه‌های خوش آب و هوای محله مهر مادر به نظر می‌رسد؛ معبری عریض با درختانی سرسبز که سایه‌شان روی پیاده‌رو افتاده و رفت‌وآمد در آن رادل نشین کرده است. اما پشت این ظاهر آرام، مشکلاتی پنهان شده که این روزها ساکنان کوچه را حسابی کلافه کرده است: بوی لجن، حضور موش‌های شهری و انباشت زباله‌ها، بخشی از مشکلات زیست‌محیطی این محدوده است که اهالی بارها از آن گلایه کرده‌اند. برای شنیدن روایت ساکنان، همراه دو نفر از معتمدان محله در کوچه قدم زدیم و مطالباتشان را شنیدیم.



یکی از مجتمع‌های همین محدوده، موش وارد واحد‌های مسکونی شده بود. همسایه‌ها می‌گفتند داخل کمد لباس یکی از این خانه‌ها بیش از بیست موش زاد و ولد کرده‌اند و در نهایت با حضور نیروهای آتش‌نشانی، خانه پاک‌سازی شد. حتی در نمونه‌ای دیگر، موش به واحد طبقه ششم یک مجتمع مسکونی وارد شده بود.

در انتهای کوچه، روبه‌روی دبیرستان دانش‌آموزان استثنایی، باکس بزرگ زباله قرار گرفته؛ جایی که به گفته اهالی، به یکی از نقاط دردسرساز محله تبدیل شده است. اطراف مخزن، ردزباله‌های پراکنده و کیسه‌هایی که پاره شده‌اند، به چشم می‌خورد.

سپیده حسینی در توضیح این وضعیت می‌گوید: بعضی از همسایه‌ها زمان بیرون گذاشتن زباله را رعایت نمی‌کنند و هر ساعتی که بخواهند، زباله‌ها را اینجا می‌آورند.

به گفته او، همین موضوع باعث شده است حضور زباله‌گردها در این محدوده بیشتر شود و از طرف دیگر، گربه‌ها نیز با پاره کردن کیسه‌های زباله، چهره کوچه را نامناسب‌تر کنند.

قاسمی معتقد است بخشی از مشکلات این کوچه، در کنار رسیدگی شهرداری، با آموزش شهروندی حل می‌شود. او می‌گوید: مساجد، روضه‌های خانگی و جلسات محلی می‌توانند فرصت خوبی برای آموزش باشند. اگر کارشناسان بهداشت و شهرداری در این جمع‌ها حضور پیدا کنند و درباره زمان صحیح بیرون گذاشتن زباله یا رعایت مسائل بهداشتی با مردم صحبت کنند، قطعاً بخشی از این مشکلات کمتر می‌شود.

### ● پاک‌سازی و طعمه‌گذاری در اولویت اداره خدمات شهری

مشکلات شهروندان خیابان شهید یوسف زاده ۶/۹ را با رئیس اداره خدمات شهری در میان گذاشتیم. حسین خوشبخت قول رسیدگی داد تا عملیات طعمه‌گذاری به صورت مستمر در این محدوده انجام شود و از طرفی شست‌وشوی کانال هدایت آب‌های سطحی نیز در دستور کار قرار گیرد. شهردار محله پس از انجام این اقدام، تصاویر و گزارش آن را منتشر خواهد کرد.

محمد رضا فیضی | هفته گذشته، سوم خرداد، هفدهمین سالروز انتشار روزنامه شهرآرا بود؛ رسانه‌ای که طی سال‌های فعالیت خود تلاش کرده است صدای مردم و پل ارتباطی میان شهروندان و مسئولان باشد.

به همین مناسبت، سید کمال الدین شاهچراغی، شهردار منطقه ۳، مشهد با ارسال پیامی، این روز را به خبرنگاران، دبیران و فعالان مجموعه شهرآرا تبریک گفت.

شهردار منطقه ۳ در این پیام، نقش شهرآرا در پیگیری دغدغه‌های مردمی، انعکاس مسائل و مطالبات محلات و همراهی با مدیریت شهری را ارزشمند توصیف کرده و از تلاش خبرنگاران این رسانه برای روایت مسائل شهر و مردم قدر دانی کرد.

شاهچراغی در بخشی از پیام خود به نقش اثرگذار «شهرآرامحله» نیز اشاره کرد و این رسانه را یکی از نزدیک‌ترین تربیون‌ها به مردم دانست. به گفته شهردار منطقه ۳، پرداختن به مسائل خردوکلان محلات، انعکاس دغدغه شهروندان و پیگیری مطالبات مردمی باعث شده است شهرآرامحله به رسانه‌ای قابل اعتماد برای ساکنان محلات تبدیل شود؛ رسانه‌ای که روایتگر زندگی روزمره مردم و ظرفیت‌های اجتماعی هر محله است.



شهردار منطقه ۳ سالگرد انتشار روزنامه مردمی را تبریک گفت

## شهرآرا پل ارتباطی میان مردم و خادمان شهر

### سد معبر کمتر، رتبه بهتر

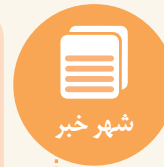
شهرداری منطقه ۳ مشهد در ارزیابی عملکرد سه ماهه پایانی سال گذشته، موفق شد رتبه دوم حوزه رفع سد معبر را کسب کند. در این مدت، ۹۶۲ بازدید تخصصی از مشاغل مزاحم و آلاینده سطح منطقه انجام گرفت و برای ۴۳۷ واحد پرونده قانونی تشکیل شد. همچنین با استناد به بنده ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری، برای ۱۶۱ واحد صنفی، رأی بدوی صادر و حکم پلمب ۱۳۵ واحد متخلف اجرا شد.

مدیریت شهری منطقه ۳ اعلام کرده در کنار برخورد قانونی، تعامل با اصناف نیز ادامه دارد و پرونده‌های بازده واحد معترض برای بررسی مجدد به کمیسیون بنده ۲۰ ارجاع شده است.

### سالن‌های ورزشی در مسیر توسعه

عملیات ساخت مجموعه ورزشی طبرسی شمالی ۲۸ در منطقه ۳ مشهد به پیشرفت ۳۵ درصدی رسیده است. این پروژه در زمینی به مساحت ۶ هزار متر مربع و با اعتبار ۹ هزار میلیارد ریالی در حال اجراست و قرار است فضایی مناسب برای ورزش‌های توپ‌تشیکی فراهم کند.

اکنون پنج سالن ورزشی فعال در منطقه به شهروندان خدمات می‌دهند و هم‌زمان ساخت دو سالن دیگر در «قائم ۲۵» و «مهرگان» نیز ادامه دارد. با بهره‌برداری از پروژه‌های جدید سالانه حدود ۹۰۰ هزار ساعت خدمات ورزشی و آموزشی به شهروندان ارائه می‌شود.



شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.

### رنگ حماسه بر دیوارهای محله

ستاد مردمی پشتیبانی جنگ در محله شهید قربانی، با نصب پارچه نوشته هایی در محدوده تجمع های شبانه، حال و هوایی حماسی به محله بخشیده است. این پارچه نوشته ها حاوی اشعاری از شاعران برجسته محلی مثل سید ابوالفضل مبارز، علی محمد مؤدب و عاطفه سادات موسوی در رثای رهبر شهید، انتقام خواهی شهید و... است و در بولوار پنجتن نصب شده است. معصومه امیدوار، از هنرمندان محله شهید قربانی، خطاطی پارچه نوشته ها را انجام داده است.



### سنت قربانی، بهانه ای برای همدلی

فرزانه شهامت نیکوکاران محله رده که مسجد امام حسن مجتبی (ع) را کانون فعالیت های خیرا خود قرار داده اند، از عید قربان به عنوان فرصتی برای دستگیری از هم محله ای های نیازمند خود استفاده کردند. آن ها با اعلام فراخوان در مسجد، در مدت کمتر از یک هفته توانستند ۳۰ میلیون تومان مبلغ مورد نیاز برای خرید گوسفند را با جمع آوری مبالغی خرد، تأمین کنند. نتیجه این مشارکت محلی، به جای آوردن سنت حسنه قربانی در صبح روز عید قربان بود که به اهدای گوشت گرم به بیش از چهل خانواده نیازمند محله، منجر شد.

### فرصتی برای آمادگی دفاعی

شرایط شکننده آتش بس و نامعلوم بودن سرنوشت آن باعث شده است بانوان بسیجی پایگاه مسجد ابوذر در محله فجر، فرصت را برای افزایش آمادگی دفاعی خود و بانوان هم محله ای شان مغتنم بدانند. آن ها یکشنبه پیش و هم زمان با سالروز فتح غرور آفرین خرمشهر، در مسجد حضور پیدا کردند تا با شرکت در دوره ای فشرده، سلاح پر کاربرد کلاشینکف را بشناسند. آشنایی با مختصات و مشخصات سلاح، شیوه باز و بسته و تمیز کردن آن و یاد گرفتن اصول تیراندازی، مباحثی بود که در مدت ۱۲۰ دقیقه به صورت کارگاهی و عملی به بانوان آموزش داده شد.

### مسجد، پایگاه سلامتی

مسجد برکت امام رضا (ع) در خیابان پنجتن ۷۷ از هفته پیش، برنامه ای را آغاز کرده است که مخاطب آن، بانوان محله التیمور هستند. در این برنامه که با مشارکت معاونت فرهنگی شهرداری منطقه ۴ اجرا می شود، روزهای زوج، بانوان محله در مسجد جمع می شوند و با حضور مربی آموزش دیده، نرمش های آمادگی جسمانی را به صورت اصولی انجام می دهند. این برنامه یک ساعته از ساعت ۸:۳۰ صبح آغاز می شود و از همان روزهای نخست اجرا، با استقبال بانوان علاقه مند به ورزش و سلامتی، همراه شده است.



## مطالبات مردم از شهردار منطقه



۲

فرزانه شهامت چهارم خرداد، مهدی حسین زاده، سرپرست شهرداری منطقه ۴، با حضور در مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ پاسخگوی پرسش های شهروندان بود. در این برنامه ۹۰ دقیقه ای که به صورت ماهیانه اجرا می شود، معاون فنی و اجرایی، معاون شهرسازی و معماری، رئیس اداره نظارت بر ساخت و سازها، رئیس اداره خدمات شهری و رئیس اداره روابط عمومی شهرداری منطقه نیز شهردار منطقه را همراهی می کردند.

### حوزه خدمات شهری

بیشترین درخواست های شهروندان با ۶ مورد به این حوزه مربوط بود. بیشتر تماس گیرندگان از اهالی محله شهید قربانی بودند که انتقاداتی به وضعیت نظافت معابری مانند پنجتن ۵۲، پنجتن ۵۴، پنجتن ۶۲ و پنجتن ۷۰ داشتند.

### حوزه عمران و حمل و نقل

۴ درخواست مطرح شده به این حوزه مربوط بود که از میان آن ها می توان به درخواست آسفالت کوچه شهید حشمتی ۳ و ترمیم جدول های محصل شمالی ۳۰ تا جماران ۲۴ اشاره کرد.

### حوزه شهرسازی

۴ درخواست شهروندان به این حوزه مرتبط بود. تسریع در تعیین تکلیف اراضی خطیب، تعیین تکلیف زمین بایر در انتهای خیابان حسینی محراب، بررسی ساخت و ساز غیرمجاز در خیابان وحید ۱۴ و تغییر کاربری اراضی بایر اطراف مجتمع ابرار به فضای سبز، تقاضاهای شهروندان در این زمینه بود.

### حوزه فرهنگی

یک شهروند در تماس خود، درخواست کرد مجموعه ورزشی در ساخت تشکی بانوان، به آقایان هم اختصاص یابد. این پروژه در کنار بوستان بهشت قرار دارد.

### تعداد تماس های شهروندان

۱۴ تماس

### تعداد درخواست های مطرح شده

۲۴ مورد

### تعداد درخواست های مرتبط با وظایف و اختیارات شهرداری منطقه

۱۵ مورد

### تعداد درخواست های مرتبط به تفکیک محلات

شهید قربانی: ۸ | رده: ۲ | کوی مهدی: ۲ | تلگرد: ۱ | فجر: ۱ | پنجتن: ۱

۴

خانواده یزدانی، آخرین بازماندگان  
نسل نگین تراشان مشهد  
در تلاش برای احیای این هنر هستند

داستان جلد

# ناجیان یک میراث ملی چشم انتظار حمایت



زهر اشربعتی ادر کوچه پس کوچه های علامه طباطبایی که نشانی را از اهالی جوپا می شوم، معمولاً پاسخ این است که «نمی دانیم کجاست»، ولی تا می گویم «کارگاه نگین تراشی یزدانی»، طوری که گویا چراغی در ذهنشان روشن شده است. بی درنگ راه را نشان می دهند: تصورم از این کارگاه که شنیدم از قدیمی ترین نگین تراشی های مشهد و حتی کشور است و فراتر از یک نگین تراشی ساده، به تحقیق و توسعه در این عرصه نیز پرداخته و اولین هایی را در استان رقم زده، یک کارگاه بزرگ و مجهز با چندین نفر نیرو و تابلویی بزرگ بر سردرش است؛ در حالی که با یک کارگاه حداکثر پنج شش متری و چهار دستگاه تراش مواجه می شوم که دو نفر از اعضای خانواده یزدانی در آن مشغول کارند. باورش سخت است ولی همه پیشینه و دستاوردهای این خانواده در عرصه تولید، فروش، آموزش و پژوهش از همین جا در محله کوی مهدی رقم می خورد.

## اولین آموزشگاه گوهر تراشی در استان

کار این خانواده هنرمند، به تولید محدود نشده است و در زمینه آموزش و پژوهش هم دستی بر آتش دارند. غلامرضا یزدانی، فرزند سوم خانواده که بیش از نیم قرن عمرش در این حرفه سپری شده است، می گوید: سال ۸۴ اولین آموزشگاه استان در زمینه گوهر تراشی تأسیس و استانداردهای آموزش فنی و حرفه ای این رشته را نیز تدوین کردیم. آموزش توسط خودمان انجام می شد و حدود سیصد کارآموز طی پنج سال فعالیت آموزشگاه دانش آموخته شدند. با افزایش هزینه ها و حمایت نکردن دولت (حتی در حد یک وام خوداشتغالی کمتر از ۱۰ درصد) چاره ای جز تعطیل کردن آموزشگاه برایمان نماند.



## کار اعتماد محور

در، عقیق، جاسپر، سنگ های شجری و فیروزه که عمدتاً از معادن خراسان جنوبی و تربت حیدریه تأمین می شوند، بیشترین سنگ هایی هستند که کارگاه یزدانی با آن ها سروکار دارد. آقا جواد می گوید: سنگ ها را بسته به نوع کاربردی که بناست داشته باشند (انگشتر، گردنبند و...)، انتخاب می کنیم و به معادن سفارش می دهیم؛ بعد از دریافت و برش، اگر نیاز به بهسازی رنگ داشته باشد، انجام می شود و بعد هم تراش داده و آماده عرضه به بازار می شود؛ گاهی هم خود مشتری ها یا تجار سنگ را می آورند. کار سنگ، کار اعتماد محور است و مشتری ها معمولاً از زمانی که پدر اینجا کار می کرد ما را می شناسند؛ بیشتر هم از کشورهای مجاور مثل عراق، یمن هستند.

خانواده یزدانی در این ۳۸ سال که مشغول حرفه تراش سنگ های قیمتی هستند، حدود ۱۰ سال در شهرک صنعتی ثامن، کارگاه و حدود بیست سال هم در بازار رضا (ع) مغازه داشته اند اما در دهه ۹۰ با توجه به اینکه دیگر هزینه ها با درآمد همخوانی نداشت، ناگزیر آن ها را تعطیل و به کارگاه کوچک پدری در خیابان رئوف محله کوی مهدی بسنده کرده اند. آن ها برای ۱۰ نفر در شهرهای مختلف استان نیز اشتغال زایی کرده اند؛ به این صورت که آن ها کار را در کارگاه خودشان انجام و تحویل می دهند و اجرت می گیرند.

## حرفه ای که به ارث رسید

تراش سنگ و نگین، حرفه سنتی خانواده یزدانی است؛ حاج محمد، پدر خانواده که هفت هشت سال پیش به رحمت خدای رفت، از سال ۱۳۶۷ وارد این کار شد و بعد هم شش فرزندش به مرور از دهه ۷۰ با او همراه شده اند. جواد یزدانی، فرزند پنجم خانواده، همین طور که از نگین های رنگارنگ روی میز، تلی چشم نواز ایجاد می کند، می گوید: ما همه متولد همین محله کوی مهدی هستیم و پدر هم کار تراش را در همین جا شروع کرد که از پیش از انقلاب، خاستگاه سنگ تراشان و عقیق تراشان بوده است. از همان دوران کودکی از نزدیک با کار پدر آشنا بودیم ولی من از اواسط دهه ۷۰ به صورت حرفه ای کار را شروع کردم. به عنوان یک کار هنری برایم جذاب بود؛ اینکه می دیدم

سنگ بی روح و نما که کسی ارزشی برایش قائل نیست، طی فرایند کار، به نگینی زیبا، ارزشمند و پرتقاضا تبدیل می شود.



## نه بیمه، نه سختی کار، نه نظارت

اما چالش های خانواده صنعتگر یزدانی و کلانگین تراشان به این موضوع ختم نمی شود و عمق و ابعاد گسترده تری دارد؛ به حدی که در بیمه حتی ردیف شغلی برایش تعریف نشده است.

غلامرضا ادامه می دهد: از آنجا که برای تأمین اجتماعی صرفه ندارد، در سازمانش برای حرفه ماردیف شغلی تعریف نکرده است؛ در نتیجه از یک سو ما خودمان جزوقالی بافان بیمه شده ایم و امکان بیمه برای کارگران هم وجود ندارد (از این رو ناچاریم به جای اشتغال نیرو در کارگاه، برون سپاری کنیم) و از طرفی با وجود آسیب ها و بیماری هایی که این حرفه برای تراشکاران ایجاد می کند، سختی کار به آن تعلق نمی گیرد. البته اینکه شاغلان این حرفه در استان و کشور، برای حقوقشان پیگیری نمی کنند و اصولاً صنفی نداریم در این وضعیت بی تأثیر نیست. وقتی حمایتی صورت نمی گیرد، کسی هم انگیزه ندارد که مجوز بگیرد و رسمی کار کند. معضل بعدی، ابزارهای کار است که عمدتاً وارداتی و وابسته به دلار هستند و هیچ نهادی نظارت نمی کند که باقیمت استاندارد عرضه شوند. ما بعد از تعطیلی آموزشگاه و بخش تحقیق و توسعه، روی تولید متمرکز شدیم ولی همان هم با گرانی فزاینده ابزار طی ۱۰ سال اخیر، سخت پیش می شود. برای اولین بار در کشور به مهندسی معکوس و ساخت یا ارتقای دستگاه های نیمه اتومات روی آورده ایم و در این زمینه تسهیلگری می کنیم ولی از همین کار هم حمایت نمی شود، با اینکه چند میلیارد سرمایه ثابت و هزینه های بازاریابی و... دارد و تولید انبوه آن، صنعت تراشکاری سنگ زینتی را متحول می کند.»

## نجات تراشکاری در گرو صنعتی شدن

این طور که غلامرضا یزدانی می گوید، در حال حاضر بیش از هشتاد درصد کارگاه های فعال در تراشکاری و فروش سنگ، سنتی کار می کنند که علاوه بر زمان بر بودن، هزینه های سنگین دارد و به دلیل عدم آشنایی اصولی با بهسازی، بازاریابی و فروش، توان رقابت هم ندارد؛ در نتیجه فعالان سنتی یکی پس از دیگری، ناچار به ترک شغل می شوند؛ در حالی که اگر صنعتی شوند، با زده های خیلی متفاوتی خواهند داشت؛ به ازای هر دستگاه و هر کارگر، روزانه بیش از هزار نگین می توان تولید کرد (در حالت دستی، حداکثر ۱۰ تا ۱۵ نگین). نمونه آن چین است که در این کشور، چون تولید صنعتی دارد، بهای تمام شده سنگ ها کمتر (تا بیش از ده برابر ارزان تر) اما مشتری و فروش آن بیشتر است.

او ادامه می دهد: بیست سال است برای صنعتی شدن تراشکاری پیگیر هستیم و خودمان هم انجام می دهیم ولی در سطح انبوه نتیجه ای نداشته است. سازمان صنایع دستی می گوید ما صرفاً کار دست را قبول داریم؛ غافل از اینکه منظور از صنعتی شدن این نیست که همه کارها مکانیزه صورت گیرد بلکه فقط حدود ۱۰ درصد کار یعنی تراش را ماشین انجام می دهد و طراحی و خلاقیت همچنان با نیروی انسانی خواهد بود؛ بنا بر این صنعتی شدن، نه تنها این حرفه سنتی را به عنوان یکی از صنایع دستی کشور نابود نمی کند، بلکه سبب حفظ و رشد و پیشرفت این رشته و ایجاد انگیزه برای ورود نسل جدید به آن هم می شود.

## پیوند علم و صنعت

تقریباً هم زمان باراه اندازی آموزشگاه، خانواده یزدانی وارد حوزه تحقیق و توسعه هم شد؛ مسیری که هرچند به دلیل مشکلات مالی به تدریج کم رنگ شد، دستاوردهای ارزشمندی برای صنعت گوهر تراشی به همراه داشت. غلامرضا یزدانی می گوید تحصیلاتش در رشته کنترل سیستم باعث شده در به روزرسانی تجهیزات، سیستم های رنگ و حتی بازاریابی و شبکه سازی نقش مؤثری داشته باشد.

او توضیح می دهد: تلاش کردیم بخش سنتی و دستی کار را به سمت تولید حرفه ای و صنعتی ببریم تا هم با زده های بیشتر شود و هم امکان رقابت در بازارهای جهانی فراهم باشد.

به همین منظور، دو پروپوزال در زمینه بهسازی و تولید صنعتی به سازمان امیدرو (سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران) ارائه کرده اند.

یزدانی همچنین از ارائه مقاله ای درباره بهسازی سنگ های قیمتی در دانشگاه فردوسی مشهد می گوید؛ مقاله ای که سال ۱۴۰۰ میان ده ها اثر تخصصی، رتبه برتر اکسپ کرده است. به گفته او، حاصل سال ها تجربه و پژوهش، رسیدن به فرمول های اختصاصی در زمینه بهسازی سنگ های قیمتی بوده است که اکنون در آستانه ثبت اختراع قرار دارد.

## بهترین تراش هادر خاورمیانه متعلق به مشهد است

این تراشکار با سابقه با اشاره به ممنوع بودن ورود و خروج سنگ به عنوان دیگر چالش پیش روی این صنعت می گوید: با توجه به تعداد کم و پراکندگی معادن داخلی (سنگ های جواهری مانند یاقوت، همتیت، زمرد و...) و دشواری دسترسی به آن ها، چند سال پیش به هند رفتیم و سنگ های خام خوبی پیدا کردیم ولی برای انتقال به داخل کشور با مشکل مواجه شدیم؛ در حالی که اگر چنین ممنوعیتی نباشد، گذشته از آراوری مستقیم از طریق فروش سنگ های استان به کشورهای خلیج فارس (چون از سنگ های خراسانی استقبال می کنند)، دست کارگاه ها از نظر بن مایه کار پر می شود و تراشکاری پیشرفت می کند. به این ترتیب اشتغال زایی و انگیزه ورود به این حرفه نیز بیشتر می شود. در غیر این صورت روز به روز شاهد افت صنعت تراشکاری خواهیم بود؛ چنانکه در دهه ۷۰، این محله حدود ۶۵۰ نگین تراش داشت ولی حالاً تعدادشان به پنجاه تا هم نمی رسد؛ در حالی که بهترین و باکیفیت ترین تراش ها در خاورمیانه متعلق به مشهد است.



## کار خانوادگی موفق است، به شرط مهارت

یزدانی با اشاره به فعالیت سطحی برخی تازه واردان به صنعت تراشکاری سنگ می گوید: شناخت سنگ، ابزار و تجهیزات به عنوان سواد کار، مهم است و ما از همان ابتدا ریشه ای کار کردیم تا بر این رشته مسلط شدیم؛ هر چند زمان بر بود ولی ارزشش را داشت. اما حالا آموزش رسمی صرفاً شامل مباحث نظری است. در آموزش سنتی و شاگردی هم دیگر قوانین سابق برقرار نیست و معمولاً جوانان انتظار دارند سریع آموزش را تمام کنند و به درآمد برسند؛ در نتیجه شاهد کارهای سطحی و غیر حرفه ای هستیم.

او که هم زمان با تراشکاری و حرفه خانوادگی، کارهای دیگری را نیز تجربه کرده، معتقد است انسان در کار خانوادگی و کاری که به آن اشراف دارد، موفق تر است؛ «خانوادگی بودن کار، علاوه بر شیرینی ای که دارد، زمینه حمایتی ایجاد می کند؛ در چالش ها همه کنار هم پای کار هستیم و تجارب را بهتر و راحت تر به هم منتقل می کنیم. در محله هم با همکارانمان که اغلب در همین رشته مشغول به کارند، رفاقت و احساس مسئولیت داریم.»

شاهد ثمراتش هستیم، پیشنهاد می کنیم که دولت ضمن افزایش تعداد نمایشگاه های تخصصی داخلی، با ارائه سوبسید به تولیدکنندگان (نه به واسطه ها و فروشندگان)، زمینه حضور آن ها در نمایشگاه های بین المللی را فراهم کند تا هم تولیدات خود را معرفی کنند و هم با فناوری روز دنیا آشنا شوند و به تحقیق و توسعه بپردازند. در این زمینه، استانداری مهم ترین دستگاهی است که می تواند قدرتمندانه طرح های حمایتی و مالی داشته باشد و با برند سازی این صنعت، به توسعه استان هم کمک کند.»

آقا غلامرضا ادامه می دهد: علاوه بر بهره مندی از حضور فعالان با سابقه این حرفه در آوری مسابقات و جشنواره ها، در زمینه آموزش نیز لازم است از حضور آنان استفاده شود تا آموزش ها کاربردی باشد و پیوند علم و صنعت بیشتر شود؛ به عنوان مثال دانشگاه فردوسی رشته کارشناسی ارشد گوهرشناسی دارد ولی صرفاً استادان کانی شناسی و زمین شناسی امکان تدریس در آن را دارند و امثال بنده که تحصیلات میان رشته ای داریم، از ارائه آموزش محروم هستیم.

یزدانی در پاسخ این پرسش که «با وجود این چالش ها می توانید دوام بیاورید؟»، آهی می کشد و می گوید: چاره ای جز دوام آوردن نداریم. سال ها خاک این کار را خورده ایم؛ کجا برویم؟ امید داریم بمانیم و این میراث خانوادگی را به نسل بعد بسپاریم.

این امید مآبی پشتوانه نیست و از راهکارهایی ناشی می شود که در صورت همراهی دولت، آینده روشنی را برای صنعت تراشکاری سنگ به ارمغان می آورد؛ «تولیدکنندگان مظلوم واقع شده اند و دیده نمی شوند. بیست سال در بازار بودم؛ کسی نیامد سراغ تولیدکننده را بگیرد و بپرسد این نگین ها از کجا آمده است. حتی در گزارش ها و برنامه های تلویزیونی هم از آن ها یاد نمی شود. دهه ۹۰ برنامه های «ایران من» و «شب شرقی» گزارشی از کارگاه و مغازه مان در بازار رضا<sup>(۱)</sup> تهیه کردند ولی موردی بود و آن طور که باید تأثیری نداشت؛ کسی نپرسید شما که حدود چهار دهه در این کار فعالیت دارید، با چه کمبودها و مشکلاتی دست و پنجه نرم می کنید. با توجه به تجربه موفقی که از یک بار حضورمان در نمایشگاه افغانستان داریم و بعد از ده پانزده سال همچنان

هیچ کس  
سراغ  
تولیدکننده  
را نمی گیرد

روایتی از شب‌های میدان امام حسین (ع) و مسجد ۷۲ تن که به میعادگاه عزت و اقتدار مردم تبدیل شد

## ۸۰ شب حماسه، زیر پرچم غیرت



راه تجربه

**فاطمه سیرجانی | اینجا میدان امام حسین (ع) است:** میدانی که بیش از هشتاد شب، نبض غیرت یک شهر در آن تپیده است. این میدان، شب‌ها سنگری شده است برای ایستادن، برای فریاد عزت، برای تجدید عهد مردمی که هنوز داغ دانش‌آموزان بی‌گناه میناب و رهبر شهیدشان را بر دل دارند و هنوز پرچم غرورشان را بر زمین گذاشته‌اند. اینجا پیش از هشتاد شب است که زن و مرد، پیر و جوان، کودک و نوجوان روبه روی مسجد ۷۲ تن گرد هم می‌آیند، تا نشان دهند این سرزمین هنوز بر عهد خود ایستاده است. آمده‌اند تا ثابت کنند ایران، در روزهای سخت، یک صداتر و استوارتر از همیشه قدمی می‌گذارد.

### ● شب‌هایی به رنگ اقتدار

انعکاس نور سبز رنگ برگلدسته‌های سربه آسمان کشیده و گنبد فیروزه‌ای مسجد ۷۲ تن، شکوه خاصی به این سوی میدان بخشیده است. روبه روی مسجد، در مسیر پیاده‌راه بوستان، صندلی‌ها منظم چیده شده‌اند و پرچم‌ها در دست مردمی موج می‌خورد که آمده‌اند سهم خود را از دفاع از عزت این سرزمین ادا کنند. در میان جمعیت، حضور بانوان چشمگیرتر از هر چیز دیگری است؛ زنانی که پایه پای مردان، شب‌های طولانی این اجتماع را زنده نگه داشته‌اند. زهره شریفی یکی از بانوانی است که از نخستین شب، پای این عهد مردمی ایستاده است. او می‌گوید: شب اول که تجمع کوچکی برای خون‌خواهی رهبران شهیدمان و دانش‌آموزان بی‌گناه مدرسه شجره طیبه میناب شکل گرفت، فکرش را هم نمی‌کردیم این طور ادامه پیدا کند؛ آن‌ها هم با جمعیتی که بعضی شب‌ها به بیش از دو بیست سیصد نفر می‌رسد. اجتماع مردمی اهالی محله گاز، هر شب پس از هم‌نوایی دعای فرج، با حرکت کاروان خودرویی ادامه پیدا می‌کند. زهره خانم و همسرش پای ثابت این گرد همایی‌ها هستند؛ حتی شب‌های سرد زمستان که باران خیابان‌ها را خلوت می‌کرد، آن دو سوار بر ترک موتور در شهر می‌گشتند؛ درحالی‌که پرچم عزت و اقتدار ایران در دستان زهره خانم، در یاد شبانه شهر به اهتزاز درمی‌آمد.



### ● روایت مقاومت نوجوانان

نظم مثال‌زدنی مراسم، برنامه‌های متنوع فرهنگی، حضور مداحان، روایتگران دفاع مقدس، مادران شهدای امنیت و چهره‌های انقلابی، بخشی از جلوه‌های این اجتماع مردمی است؛ اجتماعی که روایتی زنده از همبستگی مردم است. مصطفی قاسم پور، معلمی که کودکی رادر کوچه پس‌کوچه‌های همین محله به بزرگی رسانده، یکی از فعالان این اجتماع مردمی است. کسی که برای هرچه باشکوه‌تر برگزار شدن مراسم، از هیچ کاری دریغ نمی‌کند؛ از اجرای برنامه گرفته تا راهنمایی کاروان خودرویی، اما نقش پررنگ‌تر او هدایت



وکیل آباد و دیگر نقاط شهر طنین می‌اندازد؛ خیابان‌هایی که این شب‌ها شاهد روایت عزت مردمی بوده‌اند که خستگی را به رسمیت نمی‌شناسند و غرور ملی خود را در قلب شهر فریاد می‌زنند.

### ● نسل بیدار

همبستگی را می‌توان پیش از آغاز مراسم دید؛ جایی که کوچک و بزرگ محله گاز، بی‌هیچ چشمداشتی کنار هم می‌ایستند. از ساعتی مانده به شروع برنامه، کودکان و نوجوانان برای چیدن صندلی‌ها و پهن کردن فرش‌ها می‌آیند. یکی مسئول آماده کردن چای می‌شود، دیگری پرچم‌ها را از شبستان مسجد می‌آورد و به دست کسانی می‌دهد که بی‌پرچم آمده‌اند. آن یکی نقش سه‌رنگ پرچم ایران را روی گونه بچه‌های کوچک تر می‌کشد. جوان‌ترهای محله نیز با لباس‌های فرم، مسئولیت نظم و امنیت مراسم را بر عهده می‌گیرند؛ نسلی که شاید صدای آژیر جنگ را نشنیده باشد، اما خوب می‌داند هنگام دفاع از وطن، باید چگونه کنار مردمش بایستد. نوجوانان و جوانانی چون مهدی، علی، رضا، حسین، محمد، دانیال و ده‌ها نام دیگر، هرکدام گوشه‌ای از کار را گرفته‌اند تا این پرچم زمین نیفتد و به دنیا نشان دهند ایران و ایرانی یعنی چه.

نوجوانان و جوانان محله برای نظم دهی و اجرای برنامه‌هاست. او می‌گوید: جوانان و نوجوانان، با انرژی و آمادگی زیاد، بخش مهمی از این تجمعات را شکل داده‌اند. با اطمینان می‌توانم بگویم حضور آن‌ها باعث پویایی، استمرار و زنده ماندن این اجتماعات شده است.

قاسم پور معتقد است همین حضور، روحیه جمعی و احساس همدلی را در مردم تقویت و اعتماد به نفس نسل جوان را بیشتر کرده است؛ نسلی که شاید جنگ را ندیده باشد، اما خوب یاد گرفته چگونه پای وطن بایستد.



### ● کاروانی که خیابان‌های شهر را بیدار می‌کند

اینجا هرکس به نیتی آمده است؛ یکی برای ادای دین، یکی برای دفاع از وطن، یکی برای زنده نگهداشتن یاد شهدا و دیگری برای آنکه فرزندش بدانند عزت این خاک چگونه حفظ شده است. علی حاتمی، بازنشسته و از قدیمی‌های محله، سال‌هاست از این محله رفته؛ اما از همان شب اول به همراه همسر، فرزندان و نوه‌هایش در مراسم حضور داشته است. او که پیشاپیش کاروان خودرویی حرکت می‌کند و سیستم‌های صوتی بر و وانت دوکابینه‌اش سوار شده، با پخش کردن سرودهای حماسی، نبض خیابان‌های شهر را به تپش درمی‌آورد. حاتمی که سال‌ها حضور در جبهه‌های دفاع مقدس را تجربه کرده است، این شب‌ها را یادآور روزهای همبستگی دهه ۶۰ می‌داند؛ شب‌ها و روزهایی که مردم، شانه به شانه هم، پشت وطن ایستادند. او می‌گوید: حضور مردم کف خیابان‌ها، پاسخی محکم به کسانی است که تصور می‌کردند با شهادت رهبری و فرماندهان این سرزمین، ستون‌های اقتدار ایران خواهد لرزید. کاروان خودرویی مسجد ۷۲ تن، هر شب پس از پایان مراسم، راهی خیابان‌های شهر می‌شود. پرچم‌ها در باد می‌رقصد و سرودهای حماسی در خیابان‌های خیام، میدان شهدا، قرنی، احمدآباد،

### ● بانوانی که ستون‌های این حماسه شدند

«در این ۸۶ شب، ما شاهد اوج همبستگی و اتحاد مردم محله، به ویژه بانوان بودیم؛ مشارکتی که حتی تصورش را هم نمی‌کردیم.» این‌ها را مریم حسینی، فرمانده پایگاه مقاومت بسیج خواهران مسجد ۷۲ تن، می‌گوید؛ بانویی که شب‌های طولانی این اجتماع را از نزدیک دیده است. او از شب‌های ماه مبارک رمضان می‌گوید؛ شب‌هایی که بانوان، ساعت‌ها پیش از افطار در آشپزخانه مسجد جمع می‌شدند تا سفره افطار مردم را آماده کنند. از بانویی بی‌حسینی نام می‌برد که هر شب با چرخ خیاطی‌اش در گوشه‌ای از موبک، به دوخت و تعمیر پرچم‌ها مشغول می‌شود. از هانیه، ریحانه، محدثه، زهرا، طهورا، نرجس و دختران خانواده حاتمی که نزدیک به نود شب، لحظه به لحظه تصاویر و روایت‌های این شب‌ها را در فضای مجازی و کانال «حوالی میدان امام حسین (ع)» منتشر می‌کنند. حسینی معتقد است دوباره بذر همدلی میان مردم زنده شده است؛ همدلی‌ای که هرچه پررنگ‌تر شود، حقارت دشمنان این سرزمین بیشتر آشکار خواهد شد.

حالی‌که پیش از هشتاد شب از شروع جریان ایستادگی این مردم گذشته است. از فریادهایی که زیر پرچم ایران در میدان امام حسین (ع) طنین انداخت. از اشک‌هایی که با نام شهدا جاری شد. از کودکی که اینجا معنای وطن را یاد گرفتند. اینجا میدان امام حسین (ع) است؛ میدانی که این شب‌ها تنها یک میدان نیست؛ روایت زنده مردمی است که در سخت‌ترین روزها، نه عقب‌نشستند، نه سکوت کردند و نه پرچمشان را پایین آوردند. روایت مردمی که هنوز باور دارند ایران، با همین اتحادها، با همین پرچم‌های برافراشته و با همین شب‌های پرشور، پابرجا خواهد ماند.



دختران محله سپس آباد هر هفته در سالن شهیدناصری دور هم جمع می شوند تا ورزش و رفاقت را تجربه کنند

## حال خوب پنجشنبه ها

او درباره استقبال خانواده ها، به ویژه مادران، می گوید: از زمانی که این طرح را شروع کردیم، مادران باز خورد های خیلی خوبی به ما داده اند. خیلی خوشحال اند که دخترانشان در محیطی سالم ورزش می کنند و همیشه روی ادامه دار بودن این برنامه تأکید دارند.

### ● جایابی برای دویدن و خندیدن

تهمینه طوسی، یکی از دختران محله سپس آباد، از نخستین روزهای اجرای این برنامه همراه بچه های محله بوده است. او که از برگزاری این دورهمی های ورزشی خوشحال به نظر می رسد، می گوید همین چند ساعت کنار دوستان بودن، حال و هوای روزهایشان را متفاوت کرده است.

او توضیح می دهد: اینکه پنجشنبه ها دو ساعت کنار دوستانمان وقت می گذرانیم، خیلی خوب است. ورزش هم برای سلامتی خودمان مفید است و هم باعث می شود انرژی مان تخلیه شود. بچه ها واقعا به ورزش و تفریح سالم نیاز دارند و به همین دلیل استقبال از این برنامه زیاد است. به گفته طوسی، هر هفته حدود پانزده تا بیست نفر از دختران نوجوان محله در این برنامه شرکت می کنند و گاهی بعضی از مادران هم همراه فرزندانشان به سالن می آیند. او می گوید: ما کنار هم یک تفریح سالم و شاد را در سالن شهیدناصری تجربه می کنیم. این محیط شاد برای همه دختران لازم است و ما خوشحالیم که چنین برنامه ای برایمان برگزار می شود.

زمانی را در اختیار بگیرند. او توضیح می دهد: هر هفته پنجشنبه ها از ساعت ۱۰ تا ۱۲ دختران محله را جمع می کنیم و به سالن می آوریم. برنامه های ورزشی و بازی های گروهی مثل والیبال برگزار می شود و بچه ها چند ساعت را در کنار هم می گذرانند.

### ● بازی، خنده و چند ساعت بی دغدغه

به گفته خانم ارضی، این برنامه به مرور باعث شکل گیری رفاقت های تازه میان دختران محله شده است. ارضی می گوید: این کار باعث شده است ارتباط دختران با هم نزدیک و انرژی شان در یک فضای سالم و شاد تخلیه شود. بچه ها آخر هفته را با یک خاطره خوب و حال بهتر به پایان می رسانند و لحظه شماری می کنند برای رسیدن پنجشنبه ای دیگر.



محمدرضا فیضی صدای خنده و هیاهوی دختران محله سپس آباد، صبح های پنجشنبه، فضای سالن ورزشی شهیدناصری را پر می کند. بعضی ها وسط بازی دنبال توپ می دوند، بعضی دیگر گوشه ای با دوستانشان گرم صحبت اند و گروهی هم با شور و انرژی در برنامه های ورزشی شرکت می کنند. شاید برای خیلی از این دختران، همین چند ساعت دورهمی و بازی، متفاوت ترین بخش هفته شان باشد؛ فرصتی برای بیرون آمدن از روزمرگی خانه و تجربه ساعاتی شاد در کنار هم محله ای هایشان.

### ● دخترانه، شاد و پرانرژی

پشت شکل گیری این دورهمی دخترانه، ایده ای قرار دارد که حدود چهار سال پیش در ذهن فاطمه ارضی شکل گرفت؛ فرمانده پایگاه بسیج فدک و عضو شورای اجتماعی محله سپس آباد که تلاش کرده است برای دختران محله، فضایی امن و پرنشاط فراهم کند. او درباره دلیل اجرای این برنامه می گوید: بارها احساس می کردم دختران محله فضایی برای بازی و سرگرمی ندارند. سبک زندگی آپارتمان نشینی شده است و خیلی از بچه ها بیشتر وقتشان را در خانه می گذرانند. به همین دلیل تصمیم گرفتیم کاری کنیم که دختران محله ما بتوانند ساعاتی را کنار هم بانشاط و انرژی سپری کنند. ارضی می گوید بعد از ایزنی با شهرداری، توانستند از سالن ورزشی شهیدناصری

**کجا ادامه می دهید؟**  
غزل: طلای کشوری تکواندو را دوست دارم به دست بیاورم اما اصل ورزش برایم هدف است و برای مدال، ورزش نمی کنم.  
عسل: راستش من دیگر تمایلی به ادامه تکواندو ندارم. آزمون دان یک راکه بدهم، این رشته را می گذارم کنار و می روم دنبال علاقه ام که ورزشی تیمی مثل والیبال است.

دوقلوهای ورزشکار محله تلگرد از تفاوت انتخاب هایشان برای آینده می گویند

## خواهرانه های دو حریف



غزل: بله، مادر باشگاه و خانه، حریف یکدیگر می شویم و باهم تمرین می کنیم. عسل: در مبارزه ها، غزل بیشتر کتک می زند و من بیشتر کتک می خورم!

### ● رشته دیگری هست که تجربه اش کرده باشید یا دلتان بخواهد تجربه کنید؟

غزل: پدرم مربی فوتسال است. من و عسل از بچگی می رفتیم سر تمرین ها و تماشاچی بودیم. در این حدود چهار سالی که تماشاگر بودیم، این رشته را هم یاد گرفتیم و دوست داریم.

### ● چرا ورزش می کنید و تکواندو را تا

فرزانه شهامت | دود دختر نوجوان، با ظاهر و صدایی مشابه روبه رویمان نشسته اند و به سؤال آتمان، پاسخ هایی هم زمان می دهند. سیده عسل و سیده غزل سیدرضایی، خواهران دوقلویی هستند که در خانواده ای ورزشکار بزرگ شده اند و ورزش رانه برای کسب مدال، بلکه برای سلامتی و لذتی که می برند، پیگیری می کنند. امیدهای محله تلگرد، چهارده ساله و صاحب کمر بند مشکی تکواندو هستند و هر یک در تکاپوی آزمون مسابقات مختلف برای انتخاب بهترین مسیر آینده است.

### ● میان هنرهای رزمی، چرا انتخابتان تکواندو بود؟

غزل: برادرم، دخترخاله، دایی، پسرخاله و دخترعموهایم تکواندو کار هستند. ما هم رفتیم سراغ این رشته. عسل: البته آن اوایل، به اصرار پدرم.

### ● چند وقت است مشغول هستید؟

عسل: چهار سال.

### ● بعد از این مدت تمرین، کدام ویژگی تکواندو برایتان جالب است؟

غزل: من مبارزه اش را دوست دارم.  
عسل: اهل مبارزه نیستم و فرم هایش برایم جالب تر است.

### ● فعالیت هم زمان هر دو در یک رشته ورزشی، روی پیشرفتتان تأثیری داشته است؟

### ● وضعیت درسی تان چطور است؟

غزل: معدل ۱۷،۵ است. مدتی دنبال رشته های اسم و رسم دار مثل پزشکی و وکالت بودم اما الان مطمئنم دلم می خواهد هنرمند باشم. فعلا که پایه هفتم هستم، انتخابم معماری است. عسل: من هم معدل ۱۷،۵ است. به احتمال زیاد، رشته تربیت بدنی را انتخاب می کنم.

### ● از ابتدا با هم بودید. از اینکه انتخاب های متفاوتی داشته باشید و مسیر زندگی تان جدا شود، چه حسی دارید؟

عسل: غزل را دوست دارم. وقتی جایی باشم که او هست، انرژی می گیرم. با این حال اصرار ندارم که انتخابش، مثل من باشد. غزل: نسبت به عسل، دو جور حس دارم. گاهی لج بازی های خواهرانه است و با خودم می گویم کاش اصلتان نبودم اما هیجاناتم که کم می شود، می بینم اگر عسل نبود، واقعا مزه ای نداشت زندگی ام. علاقه ام به کنار، من هم اصراری ندارم که تا همیشه باهم باشیم.

### ● از افتخاراتتان بگویید.

عسل: مسابقاتی که شرکت کردیم و مدال هایی که به دست آوردیم، یکی است؛ فقط رنگ هایش فرق دارد. غزل: مثلاً مسابقات دو انفرادی دانش آموزان ناحیه ۵ مشهد، مسابقات تکواندو جام رمضان در سال ۱۴۰۳، مسابقات فوتسال آموزش و پرورش ناحیه ۵ در سال ۱۴۰۳ و مسابقات باشگاهی تکواندو در مشهد؛ من و عسل توی این مسابقات، مدال های طلا و نقره به دست آوردیم.





کلینیک سلامت سیار آموزش و پرورش ناحیه یک، خدمات رایگان درمانی به دانش‌آموزان کم‌برخوردار ارائه می‌دهد

## پای سلامتی به مدرسه باز شد



محمدرضا فیضی هفته گذشته از ساعت ۸ صبح، حیاط مدرسه امام هادی (ع) در پنجتن ۴۷ حال و هوای متفاوتی داشت. این بار به جای صف‌های معمول دانش‌آموزی، خانواده‌هایی دیده می‌شدند که برای معاینه و دریافت خدمات درمانی رایگان آمده بودند. پزشکان و نیروهای درمانی، یکی یکی دانش‌آموزان و والدینشان را ویزیت می‌کردند؛ از مشاوره تغذیه و مامایی گرفته تا معاینه پزشک عمومی و دندان پزشکی.

### ● حمایت از دانش‌آموزان کم‌برخوردار

این برنامه، نخستین مرحله از اجرای «کلینیک سلامت سیار» اداره آموزش و پرورش ناحیه یک مشهد است؛ طرحی که با هدف حمایت از دانش‌آموزان کم‌برخوردار و خانواده‌هایشان اجرا می‌شود. یوسف‌ادبیان، کارشناس مسئول سلامت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی آموزش و پرورش ناحیه یک، درباره جزئیات این طرح می‌گوید: این برنامه با همکاری بسیج جامعه پزشکی و گروه جامعه پرستاران بدون مرز در مدارس مناطق کم‌برخوردار در حال اجراست. مدیران مدارس، دانش‌آموزان نیازمند را شناسایی و برای حضور در غربالگری دعوت می‌کنند تا همراه والدینشان خدمات درمانی رایگان دریافت کنند.

علاوه بر این افرادی که نیاز به ترمیم دندان دارند، به کلینیک‌های تحت پوشش معرفی می‌شوند. ادبیان با اشاره به استقبال خانواده‌ها می‌گوید: در این مرحله، ۱۱۵ دانش‌آموز و والد از ساعت ۸ تا ۱۴ به رایگان معاینه و غربالگری شدند. برنامه ریزی برای ادامه اجرای طرح کلینیک سلامت سیار در مناطق حاشیه شهر نیز انجام شده و قرار است طی هفته آینده، این طرح برای دومین بار در محدوده طبرسی شمالی و رسالت برگزار شود.

### ● اجرای مرحله دوم، به زودی

به گفته او، در این طرح، خدمات مختلفی از جمله مشاوره تغذیه، مشاوره مامایی، معاینه پزشک عمومی و دندان پزشکی ارائه می‌شود و اگر خانواده‌ای نیاز به دارو داشته باشد، دارو نیز به رایگان در اختیارشان قرار می‌گیرد. در صورت نیاز دانش‌آموز یا والدین، به پزشکان متخصص ارجاع داده می‌شوند تا روند درمانشان به رایگان تکمیل شود.

با پیگیری شهرآرامحله، معتمد متجاهر بوستان محله عباس‌آباد راهی کمپ شد

## بازگشت امنیت به «یاس»

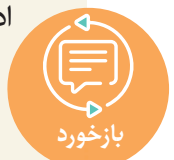


کارشناسان فضای سبز شهرداری به محل اعزام شدند. در بررسی‌های انجام شده مشخص شد این فرد رفتارهای پرخطرانه‌ای داشته و در مواردی، برخی شهروندان و حتی کارگران بوستان را مورد ضرب و شتم قرار داده است. در ادامه، با ورود ضابطان قضایی و همکاری نیروی انتظامی، این فرد دستگیر و برای طی مراحل درمان به کمپ ترک اعتیاد معرفی شد. همچنین نیروهای شهرداری بیش از یک وانت ضایعات، لباس‌های کهنه و وسایل انباشته شده را از پشت بام سرویس‌های بهداشتی جمع کردند. با انجام این اقدامات، آرامش و امنیت به بوستان یاس بازگشت.

محمدرضا فیضی هفته گذشته، تعدادی از ساکنان محله عباس‌آباد با ارسال پیام‌هایی به شهرآرامحله، از حضور یک معتمد متجاهر در بوستان یاس خبر دادند؛ فردی که به گفته شهروندان، ساعتی از روز را روی پشت بام سرویس‌های بهداشتی این بوستان سپری می‌کرد و باعث ایجاد نگرانی برای خانواده‌ها شده بود. با حضور میدانی شهرآرامحله در بوستان، موضوع تأیید شد. بررسی‌ها نشان داد این فرد با استفاده از بنر، پتو و وسایل مختلف، برای خود روی پشت بام سرویس‌های بهداشتی، پناهگاهی ساخته است و در همان محل اقدام به مصرف مواد مخدر می‌کند. پس از اطلاع‌رسانی به معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۳،

اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک منطقه ۳، بعد از پیگیری شهرآرامحله مشکل نشست آسفالت را برطرف کرد

## هموار شدن مسیر در شهید میرزایی ۳



محمدرضا فیضی پیگیری شهرآرامحله و همکاری اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک منطقه ۳، مشکل نشست آسفالت در خروجی کوچه شهید میرزایی ۳ را برطرف کرد.

ماجرای جایی آغاز شد که یکی از ساکنان محله گاز، با ارسال تصاویری از وضعیت نامناسب این معبر، درباره فرونشست آسفالت و دشواری تردد خودروها گلایه کرد. بررسی‌های اولیه نشان داد زیرسازی غیراستاندارد انجام شده از سوی یکی از شرکت‌های خدمات رسان، باعث نشست آسفالت این محدوده شده و مشکلاتی برای عبور و مرور شهروندان به وجود آورده است. پس از انتشار این مطالبه مردمی در کانال شهرآرامحله، موضوع



به اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک منطقه ۳ ارجاع داده شد و رسیدگی به آن در دستور کار شهرداری قرار گرفت. در ادامه، هفته گذشته عملیات اصلاح و زیرسازی اصولی این بخش انجام گرفت و در نهایت، روکش آسفالت خروجی کوچه شهید میرزایی ۳ نیز اجرا شد تا مشکل تردد شهروندان در این محدوده برطرف شود.